

ادبیات و پزشکی



می فرمایید هنوز از سر اتفاق است که سالم مانده اید؟ یا زنده مانده اید و نه سالم؟ خدا نخواست باشد مریضید؟ دکترها درست تشخیص نمی دهند؟ ضد و نقیض می گویند؟ پول آزمایش و عکس ندارید و با درد می سازید؟

بله، می سوزید. خوب اینطوری بیماری تان پیشرفت می کند. از پانم لال پشیمانی می آورد. دائم توی خیابان سروصدای بوق ماشین ها و دعوی پیاده هاست و شما عصبی شده اید؟ قلبتان درد گرفته؟ خانم بچه تان هم کم و بیش رنگ و روی زردی دارد. مشکل چیست؟ به پدرش گفته اید؟ قهزید؟ می خواهید سر به تن بکشد؟ نماند؟ نگویید تو را به خدا. مرگ که حق است دیگر چرا آرزویش را بکنیم؟ بله، می دانم. گناه دارید. شما هم کودکید.

طفلید. دلتان گرفته، اعصابتان ضعیف است. زانوهایتان ذق ذق می کند. توی سرتان - این طرفش - تیر می کشد. دائم دردی از دست چپ تان می آید تا آخر انگشتان دست راستتان. نمی فهمم. ضعف دارید. حال و نا ندارید. خسته اید. دوروبرتان هم همه چیز به هم ریخته است؟

می خواهید بروید یک جای دور که چشمتان بلا نسبت به هیچ بنی بشری نیفتد؟

نه، تو را به خدا گریه نکنید. یک رمان دست بگیرد، از همین امشب. باور کنید اذاقه می کند. کار خودم هم همین است دیگر. و گرنه سر را که از روی کتاب بلند کنم چشمانم آبی سیاهی می رود. فقط مراقب باشید کتابتان تمام نشود. تمام هم که شد یکی دیگر دست بگیرد.

فکر کنید داروی شبانه تان را می خورید. شعر هم خوب است. ممکن است شعری بخوانید که فشارتان را متعادل کند و خونتان را تصفیه. بعضی شعرها مولتی ویتامین اند، بعضی شاعران ملک الاطیاف. راستی داستان کوتاه هم بی تاثیر نیست ها! یعنی خویش، خوب است. اصلاً چند وقتی چخوف درمائی کنید. وسط هر وعده غذا، صبحانه و ناهار و شام، یک داستان کوتاه از چخوف بخوانید. حالا سه - چهار ماهی طبق همین نسخه عمل کنید. پادشاه اول پاییز که بنا کرد به وزیدن، یک بار دیگر می آیم احوالپرسی تان.

پروین احمدی

ادبیات و پزشکی، درمانی دوسویه

میهن بهرامی

ولی ما نمی خواهیم موضوع را مسدود کنیم به اینکه او بزرگ ترین درام نویس تاین زمان است چون این لفظ غالباً همراه کننده است. تعیین ارزش کار یک نویسنده به این قاطعیت انسان را همراه می کند زیرا چخوف بعد از کسانی

قرار گرفته مثل شکسپیر و ایسین و در کشور خودش، پیش از او گوگول هست که دارای سبک شناخته شده ی معتبری است اما جهان بینی چخوف و قدرت او در باز آفرینی سرگذشت انسان

نزدیک به زمان ما قدرتی استثنائی است. چخوف مانند پزشکی است که در اتاق جراحی و در درون جسم انسان دنبال حفره ها و تیرگی های پنهان است. هنگامی که این حفره ها و غده ها را کشف می کند می تواند در اثری مثل مرغ دریایی آن را به انفجاری برساند که تمام عوامل طیف خود را متأثر کند. او در عین حال از نظر شناخت روان و سیره و رفتار آدمی یک معلم بزرگ است. به دلیل آنکه نه تنها یک کلمه یا یک حرکت کوچک را بدون معنی و بدون تاثیر جدی و بینانی وارد درام نمی کند، بلکه اجازه حضور یک شی کوچک را در دیدگاه بیننده به برپاکنندگان نمایش نمی دهد.

در این رده، امانه به قدرت درام نویسی او بلکه در سطح یک نویسنده مقتدر در قوی ترین و قابل اعتنا ترین اثرش (لبه تیغ) سامرست موم انگلیسی، پزشکی را در می یابیم که به داده ها و یافته های ادبیات پیش از یافته های تجربه ی علمی اهمیت می دهد. در اثر بزرگی مثل لبه تیغ او یک صبرورث یک شخصیت خام و گریزنده را از لحظه ی شروع سفری خودخواسته تا لحظه ی پایان این سفر که قهرمان را به صورت یک راننده تاکسی ساده در شهر نیویورک می بینیم. که از آنچه پیش آمده و بر او گذشته آنچنان هاست که انگار در رواندگی پرواز می کند.

نوعی بینش شرقی - که شاید حاصل گشت و گذار نویسنده در هند باشد - در این رمان حضور دارد. البته در اینجا قصد این نیست که بگویم موم خود به آنچه خلق کرده، معتقد بوده اما همچنان، که شکسپیر صحنه های دقیق و تکان دهنده ی شور بختی های انسان را باز می آفریند در حالی که شاید خود به آن همه قساوت سرنوشت اعتقادی نداشته، اما هنر هر دو نویسنده در این است که می توانند معنایی را از نیست به هست آورند و به باور راستین و عمیق مخاطب برسانند.

از نویسندگان جدید - بدون آنکه قصد اطالای کلام باشد - کلا اطلاع به دست می آید بخصوص در زمینه ی روانشناسی و روانپزشکی، جامعه شناسی و ریاضیات که همه مانند اعمار یک سیاره به نقطه ی مرکزی تفکر و خلاقیت نویسنده پرتو خود را متمرکز می سازند. در هیچ هنری مانند ادبیات اطلاعات جدی و وسیع از انسان، روح و جسم او در جهانی که قرار دارد، ضرورت نمی یابد. جهان بیرونی برای نویسنده واقعاً نوعی آزمایشگاه است که بدون اطلاع از چگونگی ارتباط های جسم و روان نمی توان به آن داخل شد.

در تاریخ فرهنگ ایران نمونه ی بسیار خوبی از متفکر، نویسنده و محقق و دانشمند وجود دارد که در عین آگاهی از دانش پزشکی و دانش های دیگر کتابی مثل شفا در پزشکی و قانون در تفکر فلسفی به دست داده است که با هر کسی بحث علمی در تاریخ ایران داشته باشیم بی فاصله نام این سینا را بر زبان خواهد آورد. چون این دانشمند ضمن احاطه بر علوم زمان خود دارای طبعی سرشار و در عین علمی و فلسفی فکر کردن، شاعرانه بود. شعر معروف او را به یاد دارید:

اندر دل من هزار خورشید بتافت
آخر به کمال ذره ای راه نیافت

می توان چنین نتیجه گیری کرد که اگر او بر آگاهی های مفید زمان خود این همه تسلط نداشت و بخصوص ساختار بدن انسان و کاربرد جسمانی و روانی او را - چون یکی از اولین دانشمندان عهد گذشته است که راجع به علم النفس یا دانش شناخت روان انسان هم صحبت کرده است - و در عین حال او حتی بسیاری از راه های درمانی را که خود کشف کرده بود تا امروز در پزشکی باقی گذاشته است.

این راه ها اعم از طب گیاهی، که اینک بسیار مورد توجه جهان قرار گرفته تا درمان های روانشناختی توسعه می یابد می توانیم اینطور نتیجه بگیریم که در مقایسه با پیشرفت دانش پزشکی در روانشناسی امروز پایه هایی که او در این علوم برجا گذاشته تا حدی کلی و کلاسیک هستند ولی اهمیت آنها از این جهت مورد نظر است که نادیده و برانداخته نشده اند.

چخوف و داستایووسکی از جمله نویسندگان بزرگ و کلاسیک هستند که به توصیفی خانوادگی در رشته پزشکی به تحصیل پرداختند.

به نظر می رسد که شناخت انسان همچنان که از طریق شناخت روان و رفتارهای فردی او انجام می پذیرد، شناختی است که در رابطه نزدیک و تنگاتنگ با کاربردهای نسوج اعضا، گردش خون و جریان های داخل جسم باید انجام پذیرد اگر در این رابطه بخواهیم صحبت کنیم زیگموند فروید که شاهکاری مثل تعبیر رویاها را به جهان تفکر فلسفه روانشناختی ارائه داد نیز نویسنده ی پزشکی است و کار خود را در ابتدا بیشتر در عرصه عصب شناسی و بیماری های جسم آغاز کرد و از آن جا به رابطه ی شکفت انگیز و با اهمیت واکتس های روانی فرد با واکتس های درونی و فیزیکی او رسید.

نوع درمان هایی که در بدو امر در آزمایش های روانشناسی به کار می برد و در ابتدا از محقق و دانشمندی به نام موزم الهام گرفته بود آنچنان وسیع شد که امروز بیماری های جدی جسمانی مثل سردردهای دردناک و ناراحتی های عضوی مغز و اعصاب نیازمند درمانی دو سویه است. یعنی هم جسمی، هم روانشناختی.

بسیاری از آگاهان کتاب تعبیر رویاهای فروید و نظریه ی وجدان یا ناخودآگاه جمعی یونگ را که او نیز پزشک بود، جزو شاهکارهای نویسندگی علمی به حساب می آورند.

اما در عرصه ی ادبیات محض و رابطه اش با پزشکی موضوع بسیار قابل مطالعه می نماید به دلیل اینکه بسیاری از نویسندگان بزرگ به قولی خودشان در ابتدا یا به دستور خانواده و یا به خاطر اینکه کار جالب توجه و موضع محکمی در آینده برای خود به وجود آورند به تحصیل در رشته ی پزشکی و قضاوت رو می آوردند.

چخوف و داستایووسکی از جمله نویسندگان بزرگ کلاسیک هستند که به توصیفی خانوادگی در رشته پزشکی به تحصیل پرداختند. چخوف حتی پزشکی را به اتمام رساند.

کسانی که اهل علم اند زبان هنر را درک نمی کنند

حنایت سمیعی (مستقد ادبی)
به نظر من این دو با هم جمع نمی شوند و هیچ ارتباطی بین ادبیات و پزشکی وجود ندارد. تصادفاً ممکن است کسی اهل هر دو باشد ولی در نهایت، به نفع یکی، دیگری را کنار خواهد گذاشت یا در حاشیه قرار می دهد. عمدتاً روان پزشک ها یا روان شناسان، کارشان ارتباط نزدیک تری با ادبیات پیدا می کند ولی پزشکی که تخصص امرایش باشد و در عین حال مثلاً شاعر موفقی هم باشد سراغ ندارد.
البته در گذشته های دور از نوع «پوعلی» داشته ایم ولی اگر هم شعر خوبی می گفت، به طور اتفاق بوده. چون من اعتقاد دارم که انسان نمی تواند ذهنیت دویاره ای داشته باشد و بتواند به یک اندازه در این دو پایه، موفق عمل کند.
با این وجود کسانی که اهل هنر و ادبیات هستند، مسلماً به امور «روان» نزدیکترند. مثلاً یافته های «داستایووسکی» در زمینه ی روح و روان اگر بیشتر از



میهن بهرامی

نویسندگان و شاعران پزشک که ما می شناسیم

- در جمع آوری این اسامی از یاری این افراد سود جستیم:
- ۱- خانم مجابی (همسر جواد مجابی)
 - ۲- آقای صفدر تقی زاده
 - ۳- آقای عباس پژمان
 - ۴- خانم ری را عباسی
- اعظم حسن (تویج)
- نویسندگان و شاعرانی که در قید حیات اند:
- ۱- دکتر محمد صنعتی / مترجم / ترجمه دو کتاب در رابطه با صادق هدایت / ترجمه آثار بکت / اروانکاو
 - ۲- دکتر احمد جلیلی / شاعر / اروان پزشک
 - ۳- دکتر احمد محیط / شاعر / اروان پزشک (در حال حاضر ساکن قاهره است)
 - ۴- دکتر غلام حسین معتمدی / مترجم و محقق / روان پزشک
 - ۵- دکتر امیر حسین سجادیه / شاعر / متخصص دستگاه گوارش
 - ۶- دکتر تقی برهانی (برادر رضا برهانی) / مترجم (با غلامحسین ساعدی کار مشترک ترجمه می کرد)
 - ۷- دکتر عباس پژمان / مترجم / پزشک عمومی
 - ۸- دکتر اصغر الهی / داستان نویس / اروان پزشک
 - ۹- دکتر منوچهر هزار خانی / پاتولوژی (آسیب شناسی)
 - ۱۰- دکتر سیاوش مطهری / شاعر / دندان پزشک
 - ۱۱- دکتر حسن مرندی / نویسنده و مترجم
 - ۱۲- دکتر خسرو پارسا / مترجم / جراح مغز و اعصاب (دکتر معالج هوشنگ گلشیری)
 - ۱۳- دکتر فرامرز سلیمانی / شاعر و مترجم و منتقد / متخصص اعصاب (در حال حاضر خارج از کشور است)
 - ۱۴- دکتر محمد رضا طاهریان / شاعر (کتاب آوازه های خاکستری) / دندان پزشک
 - ۱۵- دکتر سامان تپسی (مترجم ادبی) / متخصص قلب
 - ۱۶- دکتر صادق مینا (مترجم ادبی)
 - ۱۷- دکتر لون داویدیان (روان پزشک) / سردبیر فصلنامه فرهنگی پیمان که به ادبیات و فرهنگ ارمنی می پردازد.
 - ۱۸- دکتر امید روحانی (متخصص بیهوشی)
 - ۱۹- دکتر هادی کریمی (پزشک عمومی) / روان نگار و فیلمنامه نویس